

## بررسی و تحلیل شخصیت خسرو در منظومه‌ی خسرو و شیرین براساس نظریه‌ی فروید

زهره ملک<sup>۱</sup>، سیاوش جعفری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز مشهد، دبیر ادبیات متوسطه اول، آموزش و پرورش شهرستان تربت حیدریه،

ناحیه مرکزی (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

---

### چکیده

در دنیای معاصر رابطه‌ی بین ادبیات و روان‌شناسی به دلیل فهم بالای خوانندگان و نگرش جدید بر نوشته‌های ادبی از اهمیت خاصی برخوردار است و فرضیه‌های روان‌شناسی در تحلیل ادبیات و هنر به کار گرفته شده است. از آنجا که قهرمان و شخصیت اصلی یک اثر ادبی معمولاً انعکاس و برآیندی از زندگی نویسنده و یا شخصیت و روان خود نویسنده است و شخصیت داستانی، انسانی است با خواست نویسنده و شخصیت‌پردازی و یا به عبارتی بیان مراحل رشد شخصیت در داستان هنر بارز داستان‌پرداز است. در نگارش این مقاله شخصیت خسرو در منظومه خسرو و شیرین نظامی براساس نظریه مراحل رشد روانی - جنسی فروید مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و ویژگی‌های شخصیتی خسرو در مراحل مختلف رشد وی با مراحل رشد روانی - جنسی فروید تطبیق داده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** شخصیت، رشد روانی - جنسی، فروید، خسرو و شیرین، نظامی.

---

## مقدمه

در علوم مختلف تعاریف گوناگون از شخصیت ارایه گردیده است. ارسطو شخصیت را بازیگر نمایش می‌داند و می‌نویسد: «شخصیت‌هایی که در صحنه بازی می‌کنند، از آنچه نمایش می‌دهند قصدشان تقلید سیرت و خصلت اشخاص داستان نیست؛ بلکه خود به سبب افعال و کرداری که انجام می‌دهند و دارند، بدان سیرت و خصلت منسوب می‌شوند.» (ارسطو، ۱۳۵۷: ۱۲۳). شلدن<sup>۱</sup> روان‌شناس آمریکایی شخصیت را «سازمان پویای جنبه‌های ادراکی انفعالی، ارادی و بدلی (شکل بدن و اعمال حیاتی آن) فرد آدمی، می‌داند.» (سیاسی، ۱۳۷۴: ۷). شخصیت بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فرد یا افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری آنهاست. (پروین، جان، ۱۳۸۱: ۳) بر همین اساس بررسی علمی شخصیت، تلاشی منظم در کشف و تبیین الگوهای فکری، عاطفی و رفتاری افراد در زندگی روزمره است و نظریه شخصیت پاسخی به سوال‌های چه چیز، چه‌طور و چرا؟ بیان خصوصیات فرد و ارتباط این خصوصیات با یکدیگر به سوال اول، بیان عوامل تعیین‌کننده‌ی شخصیت فعلی هر فرد به سوال دوم و بیان دلایل رفتار فرد به سوال سوم پاسخ خواهد داد؛ لذا نظریه‌های شخصیت که توسط روان‌شناسان بیان شده مفاهیمی برای پاسخگویی به این سوالات است. مفاهیمی که شامل مفاهیم ساختاری، پویا و انگیزشی می‌گردد.

یکی از مباحثی که در روان‌شناسی شخصیت مطرح است، رشد و نمو است که تاکید بر تفاوت‌های فردی دارد. معمولاً عوامل ارثی و محیطی دو گروه تعیین‌کننده شخصیت هستند. مثلاً عوامل ارثی در ویژگی‌هایی چون: هوش و خلق و خو تأثیر بیشتری دارد و عوامل محیطی در ارزش‌ها، آرمان‌ها و باورها، اما «فروید»، (۱۹۳۹-۱۸۵۶ م)، روان‌شناس مشهور، غرایز را به عنوان نیروهای برانگیزنده‌ای که رفتار را سوق می‌دهند، عناصر اصلی شخصیت می‌داند.

فروید غرایز را در دو طبقه: غرایز زندگی و غرایز مرگ تقسیم‌بندی می‌کند. غرایز زندگی به وسیله جستجو برای ارضای نیازهای غذا، آب و مسایل جنسی به بقای فرد خدمت می‌کنند و در جهت رشد و نمو هستند. فروید از میان غرایز زندگی بیشتر از همه به غریزه جنسی توجه داشت و آن را برای شخصیت بسیار مهم می‌داند. وی در مقابل زندگی، غرایز ویران‌گر یا غرایز مرگ را فرض کرد و عقیده داشت که مردم میل ناهشیاری به مردن دارند و یکی از مولفه‌های غریزه مرگ، پرخاشگری است که به عقیده او مانند میل جنسی جزو ضروری ماهیت انسان است. فروید شخصیت را به سه سطح: هشیار، ناهشیار و نیمه هشیار تقسیم می‌کند و سه ساختار: نهاد، من و فرا من را سه ساختار اساسی شخصیت معرفی می‌کند. نهاد را بزرگترین بخش شخصیت می‌داند که منبع نیازها و امیال زیستی انسان است. همچنین فروید مراحل رشد شخصیت انسان را از تولد تا بزرگسالی به پنج مرحله تقسیم می‌کند:

**مرحله دهانی:** از تولد تا دو سالگی، در طول این دوره منبع اصلی لذت کودک، دهان است. کودک لذت را از مکیدن، گازگرفتن و بلعیدن چیزی مثل پستان کسب می‌کند. پاسخ والدین به این نیازها تأثیر مهمی بر شخصیت کودک دارد. فروید به ارضای شهوانی ناشی از فعالیت‌های دهانی تاکید داشت.

**مرحله مقعدی:** این مرحله از دو تا سه سالگی ادامه دارد. فروید معتقد بود که تجربه‌ی آموزش توالیت رفتن در مرحله‌ی مقعدی تأثیر مهمی بر رشد شخصیت دارد و عمل دفع برای کودک تولید لذت شهوانی می‌کند؛ اما با شروع آموزش توالیت رفتن، کودک باید یاد بگیرد که این لذت را به تعویق اندازد.

**مرحله آلتی:** مدت این مرحله از چهار تا پنج سالگی است. کودک در این مرحله علاقه‌ی زیادی به کاوش و دستکاری اندام-های تناسلی خود و هم بازی‌ها نشان می‌دهد. کودکان در این مرحله به جنس مخالف خیلی علاقه دارند.

**مرحله نهفتگی:** این مرحله حدوداً از ۶ تا ۱۱ سالگی را در برمی‌گیرد. در این مرحله کودک از بزرگسالان خارج از خانواده و از بازی با همسالان همجنس خود، مهارت‌های اجتماعی تازه‌ای و نیز مقررات اجتماعی شهروند شدن را یاد می‌گیرد.

<sup>۱</sup> sheldon

**مرحله تناسلی:** این مرحله، آخرین مرحله روانی-جنسی رشد بوده و در هنگام بلوغ جنسی آغاز می‌شود. در این مقاله، مراحل رشد شخصیت خسرو در سروده نظامی براساس مراحل رشد روانی-جنسی فروید مورد بررسی قرار گرفته، هدف مقایسه و تطبیق شخصیت خسرو با مراحل رشد روانی-جنسی فروید می‌باشد؛ لذا فرضیات زیر در این مقاله مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

۱- بین صفات شخصیتی خسرو با مراحل رشد روانی-جنسی فروید مطابقت وجود دارد.

۲- روان رنجوری خسرو ناشی از تثبیت در مراحل رشد روانی-جنسی فروید می‌باشد.

### شخصیت خسرو:

از آنجا که شخصیت‌پردازی یکی از هنرهای بارز داستان‌پردازی است، نظامی نیز در منظومه‌ی خسرو و شیرین به عنوان یک حکیم و هنرمند، سه شخصیت اصلی این منظومه خود یعنی: خسرو، شیرین و فرهاد را به تصویر می‌کشد و با بیان ویژگی‌های ظاهری، عاطفی، روحی و نشان دادن اعمال و رفتار آنان و گاهی هم از طریق گفتگو به نمایش شخصیت‌های داستانی خود می‌پردازد. در این داستان نمی‌توان یکی از سه شخصیت اصلی داستان را شخصیت برتر و پرفروغ جلوه داد؛ بلکه هر یک از جنبه یا جنبه‌هایی خصوصیات منحصر به فرد دارند و از این جهت شخصیت اصلی داستان محسوب می‌شوند. یکی از این شخصیت‌ها با روحیات و رفتار خاص خسرو هست که نقش بی‌بدیل در تکامل داستان دارد و نظامی شخصیت او را از بدو تولد تا مرگ به تصویر می‌کشد که در بسیاری موارد قابل تطبیق با نظریه رشد فروید است.

### مرحله دهانی در رشد شخصیت خسرو:

خسرو فرزند هرمز است، هرمز با دادن نذر و قربانی صاحب فرزند پسری می‌شود.

نَسب را در جهان پیوند می خواست	به قربان از خدا فرزند می خواست
به چندین نذر و قربانش خداوند	نرینه داد فرزندی، چه فرزند <sup>۱</sup>

(ص ۱۴۶)

پدر، آثار خسروی و پادشاهی را در او کامل می بیند و نام خسرو پرویز را بر او می گذارد.

پدر در خسروی دیده تمامش	نهاده خسرو پرویز نامش
-------------------------	-----------------------

(ص ۱۴۶)

پس از آن، در نزد دایه پرورش می‌یابد و دایه:

گرفته در حریرش دایه چون مشک	چو مروارید تر در پنبه خشک
-----------------------------	---------------------------

(ص ۱۴۶)

<sup>۱</sup> نکته: تمامی ابیات در این جستار برگرفته از کتاب کلیات خمسه‌ی نظامی، تصحیح وحید دستگردی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه، اول می‌باشد. برای جلوگیری از تکرار سال نشر و نام کتاب تنها به ذکر شماره صفحه اکتفا شده است.

خسرو تمایل دارد با شیر، شکر بخورد، دایه خواسته‌ی او را اجابت می‌کند.

چو میل شکرش در شیر دیدند      به شیر و شکرش می‌پروریدند

(ص ۱۴۶)

خسرو مرتب و پی در پی به بزم شاهانه آورده می‌شود و مثل گلی دست به دست می‌شود.

به بزم شاهش آورند پیوست      بسان دسته گل دست به دست

(ص ۱۴۶)

براساس نظریه رشد شخصیت فروید این مرحله‌ی رشد خسرو، مرحله دهانی است، دایه با نگهداری خاص از کودک و بر آوردن میل خوردن شیر با شکر، در حقیقت به تثبیت مرحله دهانی کمک می‌کند. آسان‌گیری یا محروم کردن در این مرحله، انتقال کودک را از مرحله دهانی به مراحل بعدی رشد شخصیت با مشکل می‌سازد و همانطور که از ابیات ذکر شده برمی‌آید، خسرو در این مرحله از خواسته‌های خود محروم نشده؛ بلکه به نیازهای او فوری پاسخ داده شده که تاثیر مهمی بر رشد شخصیت کودک دارد. «تثبیت در اثر محرومیت یا ارضای افراطی به رشد شخصیت دهانی یا صفات دو قطبی منجر می‌شود که عبارتند از: خوشبینی، بدبینی، بدگمانی، ساده‌لوحی، خودخوارشماری، خودپسندی، بی‌اختیاری، به بازی گرفتن، حسد و تحسین.» (آبراهام، ۱۹۲۷: کلاور ۱۹۲۵).

در این مرحله «ارضای افراطی به برداشت پیش کلامی از دنیا و خویش منجر می‌شود. خوشبینی از این برداشت ناشی می‌شود که اوضاع همیشه عالی است، ساده لوحی از این تجربه حاصل می‌شود که فرد در می‌یابد هرآنچه در کودکی از دیگران گرفته خوب بوده؛ پس چرا اکنون هر چیزی را که دیگران می‌گویند، کامل نپذیرد. خودپسندی از این احساس ناشی می‌شود که فرد موجود برتری برای والدین بوده که بیش از حد به او علاقه داشته‌اند. به بازی گرفتن با این آمادگی ذهنی ارتباط دارد که فرد احساس می‌کند می‌تواند والدین را به انجام دادن هر کاری که دوست دارد وادار سازد. سرانجام این که تحسین ناشی از این احساس است که دیگران مانند خود فرد و والدین او خوب هستند.» (پروچاسکا، نورکراس ۱۳۹۱: ۳۶).

با توجه به این که خسرو در این مرحله یعنی مرحله ی دهانی ارضای افراطی شده، صفاتی مانند خوش‌بینی، ساده‌لوح، خودپسندی، به بازی گرفتن و تحسین را در شخصیت او می‌بینیم. عشرت خسرو در مرغزار، باده‌نوشی و گوش دادن به ارغنون دلیلی بر ارضای افراطی در مرحله دهانی است.

نشست آن شب به نوشا نوش یاران      صبوحی کرد با شب زنده داران

سماع ارغنونی گوش می‌کرد      شراب ارغوانی نوش می‌کرد

صراحی را ز می پر خنده می‌داشت      به می جان و جهان را زنده می‌داشت

(ص ۱۴۸)

این که خسرو ترس از پدر ندارد و اهمیتی برای نظر پدری قایل نیست، ناشی از شخصیت خود پسند اوست.

که خسرو دوش بی رسمی نمود است      ز شاهنشاه نمی ترسد چه سود است.

(ص ۱۴۹)

گناهِش این است که سمندش کشتزار و غوره دهقان را تباه کرده، جای درویش را گرفته، آواز چنگش به نامحرم رسیده که اگر این کار توسط دیگری انجام می‌شد، پادشاه خان و مانش را از بین می‌برد؛ ولی در اینجا خود خسرو تنبیه نمی‌شود؛ بلکه مرکبش پی بریده می‌شود، غلامش به صاحب غوره داده می‌شود، تختش به صاحبخانه داده می‌شود و ناخن چنگی را می‌شکنند ولی خود خسرو تنبیه نمی‌شود یعنی باز هم تقویت این صفات شخصیتی توسط پدر، گناهی که نتیجه خود پسندی و شخصیت پرتوقع او هست به خاطر تثبیت در مرحله دهانی. زمانی که شاپور از شیرین و شب‌دیز حکایت می‌کند، خسرو به خاطر صفت ساده‌لوحی و تحسین ناشی از ارضای افراطی در مرحله دهانی، ندیده سخنان شاپور را باور کرده، همه فکر و ذکرش شیرین می‌شود؛ و از طرفی نیز توقع در او ایجاد می‌شود.

نه شیرین تر از شیرین خلق دیدم	نه چون شب‌دیز شبرنگی شنیدم
چو بر گفت این سخن شاپور هوشیار	فراغت، خفته گشت و عشق بیدار
که استادی که در چپین نقش بندد	پسندیده بود هر چه او پسندد
چنان آشفته شد خسرو بدان گفت	کزان سودا نیاسود و نمی‌خفت

(ص ۱۵۴)

بزم آراستن‌های مکرر خسرو دلیلی بر شخصیت خودپسند و خوش بین اوست، زمانی که شاپور از طلب شیرین باز می‌گردد و خسرو حدیث چشمه و سرشستن شیرین را برای او تعریف می‌کند و به این یقین می‌رسد که کسی را که دیده شیرین بوده، علیرغم این که مدعی عاشق بودن هست، باز صفت و شخصیت خودپسند و خوش بین او نسبت به شاپور، باعث می‌شود که خودش در جستجوی شیرین برنیاید و بار دیگر شاپور را به طلب شیرین می‌فرستند که مبین واقعی نبودن او در عشقی که نتیجه خودپسندی او هست می‌باشد.

قرار آن شد که دیگر باره شاپور چو پروانه شود دنبال آن نور

(ص ۱۸۱)

یا وقتی که به جای پدر بر تخت می‌نشیند:

دلش گرچه به شیرین مبتلا بود به ترک مملکت گفتن خطا بود

(ص ۱۸۵)

نشانی دیگر از خودخواهی و خود پسندی اوست. خسرو از شیرین مراد می‌طلبد و جواب رد می‌شنود.

چو خسرو دید، کان ماه نیازی نخواهد کردن او را چاره سازی

(ص ۲۰۳)

باز هم غرور و خودپسندی خسرو باعث می‌شود که شیرین را تهدید کند. رفتنش به روم و پیوند با مریم، نشان دیگری از ضعف و خودپسندی اوست.

## مرحله‌ی مقعدی در رشد شخصیت خسرو:

کودکان در مرحله‌ی مقعدی<sup>۱</sup> آمادگی دارند که یاد بگیرند میل شدید به بازی کردن با مقعد یا فضولات آن، آنها را با مقررات جامعه درباره‌ی پاکیزگی در تعارض قرار می‌دهد. حتی لذت تخلیه کردن مقعدی باید تحت کنترل مقررات والدین برای کنترل مقررات والدین برای کنترل روده قرار گیرد. (پروچاسکا، نورکراس، ۱۳۹۱: ۳۸). در صورتی که والدین بسیاری پرتوقع یا آسان‌گیر باشند، کودک به احتمال زیاد در مرحله‌ی مقعدی دچار تعارض شده و تثبیت می‌شود. صفات دو قطبی که در اثر تثبیت ایجاد می‌شوند عبارتند از: خست، اسراف کاری، مقید بودن، گشاده رویی، لجاجت، تسلیم، نظم، شلختگی، وقت‌شناسی، وقت‌نشناسی، دقت، ابهام. (همان، ۳۹). در این مرحله اگر والدین آسان‌گیر باشند یعنی کودک را ترغیب کنند که هر وقت احساس فشار کرد، رها کند، افرادی را به بار خواهند آورد که به راحتی پول خرج کنند، احساسات خود را تخلیه کنند و از خود اراده‌ای نشان ندهند، به عبارتی اسراف کار، تند مزاج و تسلیم باشند. در تمامی داستان خسرو و شیرین، خسرو در برابر سخنان شاپور تسلیم است، زمانی که شاپور از شیرین و شب‌دیزحکایت می‌کند و زیبایی شیرین را توصیف می‌نماید، خسرو در برابر این سخنان تسلیم است.

چو بر گفـت این سخن شاپور هشیار	فراغت خفته گشت و عشق بیدار
یکایک مهر بر شیـرین نهادند	بدان شیـرین زبان اقرار دادند
نان آشفته شد خسـرو بدان گفـت	کزان سـودا نیاسود و نمی‌خفت
همه روز این حکایت باز می‌جست	جز این تخم از دماغش، نمی‌رست

(ص ۱۵۴)

مجلس بزم آراستن خسرو در باز آمدن شاپور از جستجوی شیرین، نشانی از اسراف کاری و ولخرجی خسرو هست و در همین جاست که بار دیگر تسلیم توصیفات شاپور از شیرین می‌شود.

ملک سر مست و ساقی باده در دست	نواى چنگ می‌شد شـست در شـست
-------------------------------	-----------------------------

(ص ۱۷۹)

وقتی که به جای پدر بر تخت می‌نشیند و نیز با مرگ بهرام چوبین و گوش دادن به سی لحن باربد باز هم به نوش و عیش و شکار می‌پردازند.

چو از شغل ولایت باز پرداخت	دگر باره به نوش و ناز پرداخت
شکار و عیش کردی شام و شبگیر	نبودی یک زمان بی جام و نخـجیر

(ص ۱۸۵)

زمانی که شیرین، نیاز جنسی خسرو را برآورده نمی‌کند، خسرو با تند مزاجی و خشم با شیرین برخورد می‌کند و در برابر شیرین گستاخی می‌کند.

<sup>۱</sup> anal stage

نخـواهد کردن او را چاره سازی

چو خسرو دید کان ماه نیازی

گـواژه چند خواهی زد بیارام

به گستاخی در آمد کی دلارام

(ص ۲۰۳)

یا زمانی که با خشم از پیش شیرین به روم می‌رود و با مریم ازدواج می‌کند و نیز کشتن فرهاد با مکر نشانی دیگر از تندمزاجی او و تثبیت در مرحله‌ی مقعدی است.

چنانک از خشم شد بر پشت شب

ملک را گـرم کرد آن آتش تیز

گرم دریا به پیـش آید گر آتش

به تندی گفت من رفتم شبت خوش

ز دریا نیز موئی تر نگـردم

خدا داند کز آتـش برنگردم

(ص ۲۰۷)

شوم دنبال کار خویـش گیرم

بر آن عزمم که ره پیـش گیرم

(ص ۲۰۸)

و یا زمانی که از مناظره با فرهاد ناتوان می‌شود چاره‌ای جز خشم ندارد.

که حلقـش خواست آزدن به پولاد

چنان در خشـم شد ز فرهاد

(ص ۲۴۵)

### مرحله‌ی آلتی در رشد شخصیت خسرو:

نام این مرحله که به‌طور مشخص به اندام‌های تناسلی مرد اشاره دارد، از مشکلی خبر می‌دهد که فروید با نظریه‌پردازی خیلی زیاد درباره‌ی مردان و بعد تعمیم دادن آن به زنان داشت. فرض شده که در مرحله‌ی آلتی<sup>۱</sup> امیال جنسی در هر دو جنس بر اندام‌های تناسلی تمرکز دارند. (پروچاسکا، کراس، ۱۳۹۱: ۴۰) در این مرحله پسر به مادر تمایل پیدا می‌کند، پسر امیال جنسی تناسلی خود را ابتدا به سمت مادر هدایت می‌کند و از او انتظار ارضاء دارد. در این مرحله تعارض ادیپی<sup>۲</sup> شکل می‌گیرد ناشی از حق لذت‌بردن از مادر توسط پدر است. پسر از این عقیده دچار اضطراب شده و میل جنسی خود را سرکوب می‌کند که فروید از آن به اضطراب اختگی تعبیر می‌کند؛ این اضطراب در اثر میان برداشتن منبع مشکل یعنی آلت تناسلی پسر و تنبیه از طرف پدر ناشی می‌شود و در نهایت از طریق همانندسازی با پدر این تعارض را برطرف می‌کند.

مساله مهم این است که چگونه والدین به امیال تناسلی فرزندان خود پاسخ می‌دهند. آسان‌گیری زیاد و طرد بیش از حد، هر دو می‌تواند موجب تثبیت در مرحله‌ی آلتی شوند که شکل‌گیری صفات دو قطبی آن عبارتند از: تکبر، بیزاری از خود، غرور، فروتنی، شیکی، سادگی، عشوهری، کم رویی، معاشرتی، منزوی، پرویی، باحیا بودن را به بارمی‌آورد. (پروچاسکا؛ نورکراس، ۱۳۹۱: ۴۱).

<sup>۱</sup> phallic stage

<sup>۲</sup> oedipal conflict

در شخصیت خسرو نیز صفات تکبر، غرور، شیکی، عشوه‌گری، معاشراتی، پررویی، دیده می‌شود. زمانی که توصیف شیرین را از زبان شاپور می‌شنود و با پررویی و بدون حیا طلب شیرین می‌کند.

تو را باید چون بست پرستان  
به دست آوردن آن بت را به دستان

(ص ۹۵)

شکارهای گروهی، مجلس‌های بزم، تنوع‌طلبی‌های خسرو، هوس بازی‌ها از جمله افسانه‌سرائی باده دختر نشانگر تثبیت صفات شخصیتی در مرحله‌ی آلتی رشد جنسی خسرو است.

دهانی از بوسه چون جلاب تر کرد  
ز بوسه، دست شه را پر شکر کرد  
ملک بر تنگ شکر مهر بشکست  
که شکر در دهان باید نه در دست  
لبش بوسید و گفت این انگبین است  
نشان دادش که جای بوسه این است  
چو یکدم جای خالی یافتندی  
چو شیر و می به هم بشناختندی  
چنان تنگش کشیدی شه در آغوش  
که کردی قاقمش را پرنیان پوش  
ز بس کز گاز نیلش در کشیدی  
ز برگ گل بنفشه بر میدی

(ص ۱۹۵)

ترس خسرو در برابر بهرام چوبین و فرار او دلیلی بر وجود تعارضات ادیبی و امیال سرکوب شده او و وجود اضطراب اختگی در مرحله آلتی است.

به صد نیرنگ و دستان راه و بی راه به  
آذربایگان آورد بنگاه  
و ز آنجا سوی موقان کرد منزل  
مغانه عشق آن بتخانه در دل

(ص ۱۸۷)

### مرحله نهفتگی در رشد شخصیت خسرو:

براساس نظریه روان‌کاوی کلاسیک، در این مرحله امیال جنسی جدید و آشکاری وجود ندارد، فروید رشد شخصیت تازه‌ای را به مرحله‌ی نهفتگی<sup>۱</sup> مرتبط ندانست و معتقد به شکل‌گیری کامل شخصی پیش تناسلی در ۶ سالگی بود؛ اما در روان‌کاوی جدید، دوره نهفتگی زمانی است که خود رشد می‌کند و مقررات اجتماعی شهروند شدن را یاد می‌گیرد. این دستاوردها کودک را قادر می‌سازند تا از لحاظ روان‌شناختی وارد نوجوانی شود و مرحله‌ی تناسلی را هنگامی که فرا رسد، هدایت کند. (پروچاسکا؛ نورکراس، ۱۳۹۱: ۴۲) ویژگی‌های منشی و گرایش‌های اجتماعی که این دوره را متمایز می‌سازد، ساعی بودن در کار، احساس قدرت، اجتماعی بودن، رقابت، همکاری، گذشت، دیگر دوستی و اخلاق دانی و مرد نمایی افراطی است. (دوچ؛ کراواس، ۱۳۷۴: ۱۶۲) سولیوان (۱۹۵۳) از این دوره به «عصر شباب» تعبیر می‌کند و افرادی را که در این دوره مانده و از آن

<sup>۱</sup> latency stage

خارج نشده‌اند به عنوان «نوجوان مزن» می‌خوانند. ترس‌های طبیعی اساسی این دوره، ترس از عدم موفقیت و طردشدن از جرگه دوستان است.

خسرو بعد از دوران سه و پنج سالگی خود به تعبیر نظامی وارد مرحله‌ای می‌شود که:

چو سال آمد به شش چو سرو می‌رست	رسوم شش جهت را باز می‌جست
پدر ترتیب کرد آموزگارش	که تا ضایع نگردد روزگارش
بر این گفتار بر بگذشت یک چند	که شد در هر هنر خسرو هنرمند
چنان قادر سخن شد در معانی	که بحری گشت در گوهر فشانی
پس از نه سالگی مکتب رها کرد	حساب جنگ شیر و اژدها کرد
چو برده سالیگی افکند بنیاد	سر سی سالگان می داد بر باد
چو عمر آمد به حد چارده سال	برآمد مرغ دانیش را پرو بال
نظر در جستنیهای نهان کرد	حساب نیک و بدهای جهان کرد

(ص ۴۶-۴۷)

خسرو در این مراحل وارد اجتماع شده و این دوران عصر شباب خسرو هست. در همین دوره هست که خسرو تحت تعلیم «بزرگ امید» قرار می‌گیرد؛ و «بزرگ امید» را طلب می‌کند تا از او حکمت بیاموزد که نشانه‌ای از ساعی بودن، اجتماعی بودن و اخلاق دانی خسرو هست که از ویژگی‌های دوره نهفتگی است.

بزرگ امید نامی بود دانا	بزرگ امید از عقل و توانا
طلب کردش به خلوت شاهزاده	زبان چون تیغ هندی بر گشاده
دل روشن به تعلیمش برافروخت	و زو بسیار حکمت‌ها در آموخت
دل از غفلت به آگاهی رسیدش	قدم بر پایه شاهی رسیدش

(ص ۱۴۷)

### مرحله تناسلی در رشد شخصیت خسرو:

در مرحله تناسلی یا جنسی<sup>۱</sup> امیال جنسی و احساسات آدیبی دوباره آشکار می‌شود، نوجوانان که عمدتاً چالش‌های مراحل آلتی و نهفتگی را پشت سرگذاشته‌اند در این مرحله می‌توانند کار کنند و عشق بیاموزند. «در نظریه فروید، انسان بدون حداقل مقداری تعارض بین امیال غریزی و قید و بندهای اجتماعی به مرحله تناسلی نمی‌رسد.» (پروچاسکا، ۱۳۹۱: ۴۲) در این مرحله

<sup>۱</sup> genital stage

که آخرین مرحله‌ی رشد روانی-جنسی از دیدگاه فروید است، میل جنسی شدیدی به جنس مخالف به وجود می‌آید، در حالی که در مراحل قبلی، تمرکز صرفاً بر روی نیازهای فردی بود.

در این مرحله توجه به خوشبختی دیگران رشد می‌یابد. اگر سایر مراحل با موفقیت تکمیل شده باشند، اکنون فرد باید متعادل، صمیمی، مهربان و نوع دوست باشد. هدف این مرحله، برقراری تعادل بین جنبه‌های مختلف زندگی است. از این دوره به بعد است که وظیفه‌ی عمده‌ی فرد آزادسازی خود از قید والدین است؛ پسر وابستگی به مادر و دختر وابستگی به پدر را کنار می‌گذارد و برای خود همسری که متعلق به خودش باشد می‌یابد. در این مرحله هست که فرد از طریق ارتباط با فردی از جنس مخالف به تحریک و یا ارضای جنسی می‌رسد. این مرحله در زندگی و شخصیت خسرو با آشنائیش با شیرین آغاز می‌شود. خسرو نوجوان، شبی نیای خود را در خواب می‌بیند که او را به زنی زیبا که به زندگی او راه خواهد یافت مژده می‌دهد و سپس با شنیدن اوصاف او از زبان شاپور عاشق شیرین می‌شود تا جایی که به واسطه‌ی این آشفته‌گی آسایش و خوابی ندارد و در تمامی دوران عشق خود با شیرین، تنها در پی فرصتی است که از شیرین کام دل بگیرد. با توجه به نظر فروید و هوس‌بازی خسرو این نکته استنباط می‌شود؛ که مراحل قبلی رشد شخصیت خسرو با موفقیت تکمیل نشده؛ بر همین اساس خسرو در مرحله‌ی تناسلی یا جنسی، شخصیتی متعادل نیست و در عشق خود با شیرین و یا حتی مریم صمیمیت واقعی ندارد و بیشتر یک هوس باز افراطی است و به معشوق به عنوان شئی و بیشتر در برآورده شدن نیازهای جنسی خود نگاه می‌کند. شئی اصطلاحی است که فروید برای سایر افراد به کار برد؛ زیرا در روان‌شناسی نهاد، دیگران به جای این که افراد واقعی با نیازها و خواسته‌های خودشان باشند، عمدتاً اشیایی برای ارضای غریزی هستند. (پروچاسکا، نورکراس، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

خسرو «مردی بود فرصت طلب که آبرو و نام و ننگ معشوقه‌ی خود را به چیزی نمی‌گرفت.» (متینی، ۱۳۷۱: ۵۱۵). ناپختگی خسرو در مراحل قبلی رشد، باعث می‌شود صمیمیت یا افشاگری و تقسیم کردن نیازها آنگونه که واقعاً هستند غیرممکن باشد. خسرو در بروز احساسات، هیجانات و نیازهای جنسی خود ناپخته عمل می‌کند. شخصیت پیش تناسلی نمی‌تواند با دیگران آنگونه که او (شیرین) واقعاً هست ارتباط برقرار کند؛ بلکه وی را با تصورات کودکی از آنچه افراد هستند تحریف می‌کند. تجربیات میان فردی خسرو با والدین به طرح واره‌های درونی شده‌ای منجر می‌شود که مفاهیم ابتدایی درباره‌ی ویژگی افراد هستند. هر تجربه تازه فرد از طریق توجه انتخابی به اعمال آن شخص در این طرح واره جذب می‌شود. (پیاز، ۱۹۵۲) مفهوم تثبیت در دیدگاه فروید حکایت از آن دارد که شخصیت‌های پیش تناسلی مانند خسرو به گسترش دادن طرح واره‌های خود از افراد ادامه نمی‌دهند؛ بلکه تجربیات خود را از آدمها طوری تحریف می‌کنند که با برداشت‌های درونی شده آنها بخواند. حال برداشت خسرو از شیرین همان طرح واره‌های کودکی وی از افراد مهم زندگی وی هستند.

شکار آرزو را تنگ تر کرد	شه از راه شکـــــــــــــــــیبایی گذر کرد
به دست آورد و رست از دست ایام	سر زلف گره گییـــــــــــــــــر دلارام
بده دانه که مرغ آمد به دامـــــــــــــــــت	لبش بوسید و گفت ای من غلامت
رو کنون روز از نوســـــــــــــــــت و روزی از نو	هر آنچه از عمر پیشین رفت گو
حذر کردن نگویی چیســـــــــــــــــت این جا	من و تو جز من و تو کیســـــــــــــــــت این جا

(ص ۲۰۱)

از ابیات فوق این نکته استنباط می‌شود که خسرو از معشوق فقط برای برآورده شدن نیازهای جنسی استفاده می‌کند. تغییر عقیده‌های مکرر او در خصوص شیرین و گاهی اوقات ترجیح مریم و شکر بر او، نشانه‌ی دیگر از نگرش خسرو به معشوق به عنوان یک شئی می‌باشد.

شکر شیرینی بر کار می‌کرد	به شکر عشق شیرین خوار می‌کرد
به نوش آباد شی—رین شد دگر راه	چو بگرفت از شکر خوردن دل شاه
بچرید بر شکر حلوی شی—رین	شکر هرگز نگیرد جای شیرین
شکر تلخ است چو شی—رین نباشد	چمن خاکست چون نسرين نباشد
ز نی خیزد شکر، شی—رین از جان	مگو شیرین و شکر هست یکسان
که شیرین جان و شکر جای جان است	ز شیرین تا شکر فرقی عیان است

(ص ۲۷۰)

صبوری کن که رسوایی تمام است	دیگر ره گفت که این تدبیر خام است
نه طفلم تا به شی—رینی فریبم	مرا آن به که از شیرین شی—کبیم
چرا بر من به تل—خی گرد ایام	مرا شیرین و شکر هر دو در جام

(ص ۲۷۱)

در زندگی خسرو علاوه بر شیرین زنان دیگری نیز وجود داشتند از جمله مریم، شکر و گردیه. مریم دختر قیصر روم است و ازدواج او با خسرو در شمار ازدواج‌های سیاسی است که به پیشنهاد قیصر انجام پذیرفت. گردیه، خواهر بهرام چوبینه، سردار بزرگ ساسانی است و شکر زنی زیبا که آوازه‌ی زیبایی‌های دور رسیده بود. علاوه بر اینها تعداد کثیری از خوب رویان دیگر در مشکوی شاه به سر می‌بردند که در شاهنامه تعداد آنها به دوازده هزار نفر و در خسرو و شیرین ده هزار تن ذکر گردیده است. پس از تمکین نکردن شیرین، خسرو درمان دل‌هوس بازش را در رفتن به سراغ زنی دیگر مثل شکر می‌دید؛ ولی پس از بازگشت از اصفهان فوراً به یاد شیرین می‌افتد و از شکر فراموش می‌کند؛ که همه‌ی اینها نشانه‌ای جز هوس بازی و نامتعادل بودن شخصیت خسرو در عشق و زندگی نیست که نتیجه آن در هم شکسته شدن مکانیزم‌های دفاعی و به تبع آن روان رنجوری و تعارض شخصیتی خسرو است.

### مکانیزم های دفاعی خسرو در ناکامی:

تثبیت در مرحله دهانی، این گرایش را در فرد ایجاد می‌کند که وقتی تهدید یا ناکام می‌شود به دفاع‌های ابتدائی مثل انکار و فرافکنی متوسل می‌شود. مبنای جسمانی فرافکنی تف کردن هر چیز بدی است که کودک آن را به دهان برده و آن را جزئی از محیط ساخته است. فرافکنی از لحاظ شناختی، درک کردن آن جنبه‌هایی از خویشتن در محیط است که بد یا تهدیدکننده هستند. (پروچاسکا، نورکراس، ۱۳۹۱: ۳۷) فرافکنی، نسبت دادن احساسات، امیال، افکار، گرایشات نامطلوب، ناخوشایند و غیر اخلاقی خود به افراد و یا شئی خارجی دیگر است.

فکندی چون فلک در سر کمندم  
رها کردی چو کردی شهر بندم  
نخستم باده دادی، مست کردی  
به مستی در مرا پا بست کردی  
به گـرد عالم آوارم تو کردی  
چنین بد روز و بی چارم تو کردی  
(ص ۲۰۸)

یا وقتی خسرو به «ارمن» نزد «مهین بانو» می‌رسد و از زیبا رویانی که می‌بیند خوشش می‌آید در واقع با این عمل از مکانیزم انکار استفاده می‌کند.

بتابی دید بزم افروز دلبنده  
به روشن روی خسرو آرزومند  
خوش آمد با بتان پیوندش  
آنجا مقام افتاد روزی چشندش آنجا  
(ص ۱۷۷)

«این دفاع در سطح شناختی، منحرف کردن توجه فرد از جنبه‌های تهدیدکننده‌ی دنیا یا خود را شامل می‌شود» (پروچاسکا؛ نورکراس، ۱۳۹۱: ۳۷) خسرو پس از شرط خدمت به جا آوردن توسط مهین بانو، به جای این که در غم دیدار شیرین اندوه بخورد، باز هم به مجلس بزم و گوش دادن سماع و نوشیدن باده می‌نشیند و به این وسیله از مکانیزم دفاعی انکار استفاده می‌کند. انکار عبارت است از: انکار و نفی واقعیت رفتار، کردار و عامل اضطراب‌زا. مثل پسری که دوست دختری ندارد و می‌گوید من به دخترها نیاز ندارم. در پیش مریم زمانی که بدگویی شیرین را می‌نماید، نیز با نوعی مکانیزم دفاعی انکار و مکانیزم عقلی و فلسفی مواجهیم.

که شیرین گرچه از من دور بهتر  
ز ریش من نمک مه‌جور بهتر  
ولی دانم که دشمن کام گشتست  
به گیتی در به من بدنام گشتست  
چون من بنوازم و دارم عزیزش  
صواب آید که تو بنوازی نیزش  
(ص ۲۲۷)

خسرو بار دیگر شاپور را به طلب شیرین می‌فرستد و از مکانیزم دفاعی دلیلی تراشی استفاده می‌کند، در این جا عمل درک می‌شود؛ ولی انگیزه‌ای که در پشت آن است نامعلوم می‌ماند. تفسیر مجدد رفتار به نحوی انجام می‌شود که به نظر منطقی و قابل قبول بیاید. از طریق این مکانیزم دفاعی است که بسیاری از اعمال خشونت‌آمیز و خلاف اخلاق توجیه می‌شود. (پروین؛ جان، ۱۳۸۱: ۷۶) دلیل تراشی عبارت است از: استفاده کردن از استدلال‌های منطقی و پذیرفتنی برای توجیه رفتار و احساسات غیر موجه و توجیه ناپذیر.

شفاعت کرد روزی شه به شاپور  
که تا کی باشم از دلدار خود دور  
بیار آن ماه را یک شب درین برج  
که پنهان دارمش چون لعل در درج  
من از بهر صلاح دولت خویش نیارم  
رغبستی کردن به دو بیش

که ترسم مریم از بس نا شکیبی  
چو عیسی برکشید خود را صلیبی  
همان بهتر که با آن ماه دلدار  
نهفته دوسـتی و رزم پری وار  
(ص ۲۲۸)

خسرو اعمال و رفتار خود در برابر شیرین و نیز ازدواج با مریم و شکر اصفهانی را توجیه کرده و از مکانیسم دلیل تراشی استفاده می‌کند.

بکن چندان که خواهی ناز بر من  
مزن چون راندگان آواز بر من  
وگر چشمم کنی سر پیش دارم  
پس این چشم دگر در پیش آرم  
اگر گردد سرم بر خنجر از تو به  
سر گردم، نگردانم سر از تو  
به تن با دیگری خرسند بودم  
ز دل تا جان تو را در بند بودم  
اگر گامی زدم در کامـرانی  
جوان بودم، چنین باشد جوانی  
(ص ۲۵۸)

هنگام بازگشت از قصر شیرین که خسرو از شیرین به شاپور شکایت می‌کند نیز همین مکانیسم را به کار می‌برد.

### روان رنجوری خسرو:

وقتی تعارض‌های ناهشیار خیلی شدید، خیلی عذاب‌آور و مکانیزم‌های دفاعی حاصل از آنها بسیار محدود کننده باشند، نشانه‌های روان رنجوری آشکار می‌شوند. (پروچاسکا؛ نورکراس، ۱۳۹۱: ۳۵).

به گستاخی در آمد کی دلارام  
گوانه چند خواهی زد بیا رام  
تو خود دانی که در شمشیر بازی  
هلاک سـر بود گردن فرازی

(ص ۲۰۳)

فروید معتقد بود که نیروهای پویش اساسی که شخصیت را با انگیزه می‌کنند. اروس (زندگی و میل جنسی) و تاناتوس (مرگ و پرخاشگری) است. این نیروهای مکمل، غرایز هستند که مبنای جسمانی دارند؛ ولی در خیال پردازی‌ها، امیال و احساس‌ها، افکار و از همه مستقیم‌تر در اعمال ابراز می‌شوند. انسان همواره ارضای فوری تکانه‌های جنسی و پرخاشگری را می‌طلبد. (پروچاسکا؛ نورکراس، ۱۳۹۱: ۳۵) لذا خسرو مجبور می‌شود مکانیزم دفاعی ایجاد کند تا میل جنسی خود را کنترل نماید. میل به ارضای فوری تکانه‌های جنسی و یا پرخاشگری منجر به تعارض اجتناب‌ناپذیر با مقررات اجتماعی می‌شود که خود آسیب اجتماعی است. در این جا خودپسندی خسرو منجر به ایجاد خشم و تهدید معشوق می‌شود که نتیجه نوعی تعارض یا مکانیزم دفاعی در برابر تکانه‌های جنسی برای کنترل میل جنسی است که فروید از آن به «تعارض ناهشیار» یاد می‌کند.

به تندی گفت من رفتم سبت  
خوش گرم دریا به پیش آید گر آتش  
خدا داند کز آتـشش برنگردم  
ز دریا نیز موئی تر نـگردم

(ص ۲۰۷)

تمکین نکردن شیرین، رفتن خسرو از پیش شیرین و پیوند او با مریم و به تبع آن انکار و فراقنی خسرو باعث می‌شود تعارض - های ناهشیار خسرو شدید و عذاب‌آور شود و نتیجه آن روان رنجوری آشکار خسرو می‌شود.

ابیات زیر حکایت از روان رنجوری آشکار خسرو دارد:

چو فرخ شد، بدو هم تخت و هم	تاج در آمد غمزه شیرین به تاراج
نه آن غم را ز دل شایست راندن	نه غم پرواز را شایست خواندن
به حکم آن که مریم را نگه داشت	کز او بر اوج عیسی پایگه داشت
اگر چه پادشاهی بود و گنجش	ز بی یاری پییایی بود رنجش
نمی‌گویم طرب حاصل نمی‌کرد	طرب می‌کرد لیک از دل نمی‌کرد
گهی قصد نبید خام کردی	گهی از گریه می‌در جام کردی
گهی گفتمی به دل کای دل چه خواهی	ز عالم عاشقی یا پادشاهی

(ص ۲۱۳-۲۱۲)

کجا شیرین و آن شیرین زبانی	به شیرینی چو آب زندگانی
کجا آن عیش و آن شب‌ها نخفتن	همه شب تا سحر افسانه گفتن
کجا آن تازه گلبرگ شکر بار	شکر چیدن ز گلبرگش به خروار
سخن‌هایی که گفتم یا شنیدم	خیالی بود یا خوابی که دیدم
مرا باید که صد غم‌خوار باشد	چومن صد غم‌خور دشوار باشد
پراکنده دلم بی‌نور از آنم	نیم مجموع دل، رنجور از آنم
دگر باره بانگ برزد بر خود به تندی	که با دولت نشاید کرد کندی

(ص ۲۱۴-۲۱۳)

## نتیجه گیری

یکی از ویژگی‌های بارز اندیشه‌های نظامی، توجه دقیق و عمیق به جنبه‌های روان شناختی وجود آدمی و تلاش پیگیر وی برای تحلیل پیچیدگی‌ها و کشف زوایای پنهان شخصیت انسانی است. میان روان‌شناسی و ادبیات خصوصاً ادبیات غنایی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. به گونه‌ای که ادبیات غنایی بستری مناسب برای جستجوی مفاهیم روان‌شناختی است و کندوکاو در ضمیر ناخودآگاه و زوایای ناشناخته وجود آدمی و پیوند آن با عالم متافیزیک، محور اصلی اندیشه‌ی بسیاری از شاعران فارسی زبان به ویژه شاعران برجسته‌ی معناگرایی چون نظامی است. آثار نظامی از جمله آثار مهم ادبیات فارسی است که از جنبه‌های مختلف از جمله روان‌شناسی، قابل بررسی و تحقیق است؛ و از لحاظ روان‌شناسی شخصیت ابیات بسیاری را در برمی‌گیرد. شناخت عمیق و درک دقیق نظامی از انسان باعث شده است که به لایه‌های درونی و روانی انسان نفوذ کند و به بازتاب و توصیف آن در قالب زبانی، ادبی و تصویری بپردازد. اعتقاد نظامی بر آن است که هیچ‌یک از علوم و معارف بشری، ارزش و اهمیت روان‌شناسی را ندارد و بزرگترین عقده‌ای (گرهی) که بشر در کار دنیا و آخرت خود دارد، همین است که خود را بشناسد. تحلیل شخصیت خسرو نشان می‌دهد که او در دوره جوانی و هم در مقام شاهزاده و هم پادشاه شخصیتی آسان طلب و عشرت‌جو پیدا کرده است؛ لذا در کار ملک منفعل و مسئولیت ناپذیر است. وجود رفتارهای گاه فروتنانه‌اش، خوبی مغرور و زود رنج دارد و برای رسیدن به خواسته‌هایش متوسل به ریا و نیرنگ می‌شود. خسرو شخصیتی چند بعدی، پیچیده و پویا دارد که هر چند در طول داستان برجسته‌ترین صفت روایی او کامجویی است؛ بزم آرای، باده نوشی، گوش دادن به موسیقی، غرور در برابر شیرین، به کار بردن مکر و دروغ در برابر فرهاد، کسب لذت جنسی از شیرین، روی آوردن به مریم و شکر و بالاخره استفاده از مکانیسم‌های دفاعی محدود که نتیجه آن روان رنجوری خسرو هست، همگی دلیل ناپختگی شخصیت خسرو در مراحل رشد روانی-جنسی از دیدگاه فروید می‌باشد؛ اما در پایان تحت تأثیر شخصیت والا و عشق پاک شیرین به عاشقی پاکبخته و افسانه‌ای تبدیل می‌شود.

## منابع

۱. ارسطو (۱۳۵۷). فن شعر، ترجمه‌ی عبدالحسین زرین‌کوب، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲. ابن یوسف، الیاس (۱۳۷۲). کلیات خمسه‌ی نظامی، تصحیح وحید دستگردی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
۳. پروچاسکا، جمیز؛ نورکراس، جان (۱۳۹۱). نظریه‌های روان‌درمانی، ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی چاپ سوم، تهران: نشر روان.
۴. پروین، لورانس‌ای؛ اولیور پی، جان (۱۳۸۱). شخصیت نظریه و پژوهش، ترجمه‌ی محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، چاپ اول، تهران: انتشارات آبیژ.
۵. سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۴). نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روان‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. متینی، جلال (۱۳۷۱). «خسرو و شیرین»، ادبیات و زبان‌ها، پاییز، شماره ۱۵.
۷. مورتون، دوچ؛ روبرتم. کراس (۱۳۷۴). نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی مرتضی کتبی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

# Investigating and Analyzing the Character of Khosrow in the Khosrow Syrin System based on the Theory of Freuds Psychosocial Development

Zoreh Malek<sup>1</sup>, Siavash Jafari<sup>2</sup>

1. *Master of Comparative Language and Literature, Payame Noor University of Mashhad, Teacher of Literature first high school, Teaching and breeding Torbat Heydariyeh, Central area (Author responsible)*
2. *Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University*

---

## Abstract

In the contemporary world the relationship between literature and psychology is important because of the high understanding of readers and the new attitude to literary writing and psychological hypotheses have been used in the analysis of literature and art. Since the hero and the main character of a literary work are usually reflective of life the writer or personality of the writer himself is a human storyteller with the writer's desire and characterization or in other words the expression of the stages of personality development in the story of the famous storyteller. In this essay the character of Khosrow in the Khosrow and Shirin Nezami system was analyzed based on the theory of Freuds stages of development and Khosrows personality traits were adapted at different stages of his development to the stages of Freuds psychosocial development.

**Keywords:** Character, Psychosocial development, Freud, Khosrow and Shirin, Nezam.

---